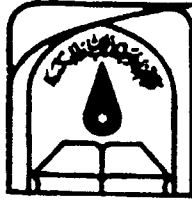
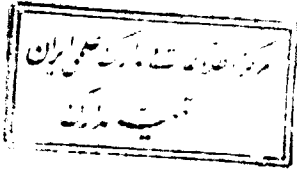


۱۳۷۸ / ۸ / ۳ -



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی

مقایسه بین جلال الدین محمد مولوی و ویلیام بلیک
از نظر عرفانی و ادبی

سهیلا صلاحی مقدم

استاد راهنما
دکتر عباسعلی رضایی

استادان مشاور

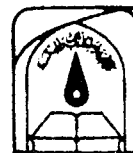
دکتر تقی پورنامداریان

دکتر احمد احمدی

بهار ۱۳۷۸

۰۳۹۶۰

۲۷۱۷۷



بسمه تعالی

آیین‌نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله)‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس میسر بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته _____ است
که در سال _____ در دانشکده _____ دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____ و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه‌های نشریات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به مرکز نشر دانشگاه اهدا کند دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ‌شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجوی تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه‌شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب سهیلاصلاحی مقدم دانشجوی رشته ادبیات فارسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

تقدیم به وجود مقدس چهارده معصوم
که بحق سفینه نجات، عروه الوثقی
و علت غایی آفرینشند و توسل به
ایشان انسان را به خدا دردی می رساند.

این سخن آبی است از دریای بی پایان عشق
تا جهان را آب بخشد جسمها را جان کند

سپاس و قدردانی

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نوشتاری که پیش روی شماست تلاشی است در جهت شناخت هرچه بیشتر دو نابغه بزرگ ادب و هنر جهان یعنی جلال الدین محمد مولوی، عارف و شاعر قرن هفتم هجری (مطابق با قرن دوازدهم میلادی) و ویلیام بلیک شاعر و نقاش قرن هجدهم میلادی (مطابق با قرن سیزدهم هجری قمری).
سپاس بیحدّ خدای را که این توفیق را به این طالب علم بی بضاعت عنایت کرد که افتخار همنشینی با این دو بزرگوار را داشته باشد و از محضر این مصلحان بشری و مردان الهی فیض ببرد و اگر الطاف و پامردیهای استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر احمد احمدی در مورد تحقیق در حوزه ادبیات تطبیقی نبود هرگز این دفتر آغاز نمی شد و به پایان نمی آمد. بحقیقت "دستم بگرفت و پا به پا برد" جزاه الله خیرا.

بر ذمه خود می دانم که از زحمات استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عباسعلی رضایی که راهنمایی و ارشاد بنده را در این رساله عهده دار بودند، صمیمانه سپاسگزاری کنم و نیز صادقانه منت دار جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان هستم که در سمت مشاورت این رساله، جای جای نظرات ارشادی ارزشمند خویش را مبدول فرمودند.

بر خود واجب می دانم از راهنماییها و ارشادات آقای دکتر حسین الهی قمشه ای که سالها خوشه چین خرمن فضل ایشان بودم، و در انتخاب موضوع و مسیر تحقیق مرا یاری کردند خالصانه تشکر کنم. از جناب آقای دکتر صادق آینه وند و جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده و سرکار خانم سیماداد که حق بزرگی به گردن این شاگرد دارند بخاطر یاوربپایشان از صمیم قلب سپاسگزارم.

در اینجا می خواهم از تمام استادان و مخدومانم در تمام طول سالهای تحصیل که از محضرشان بهره ها بردم و از بذل علم و دانش و محبت خود نسبت به این شاگرد دریغ نکردند، تشکر نمایم.

اگر عنایت الهی، محبت بی شائبه دوستانی را که در این تحقیق با من همراهی کردند، شامل حال من نمی داشت آنچه در این مدت به انجام رسید، حصولش بس دشوار بود.

همچنین از همسر گرامیم جناب آقای مهندس سیامک اصفهانی و مادر بردبار و فرشته خورم که به سبب تحصیل من، زحمات و دشواریهای فراوانی را متحمل شدند ولی همچنان صبور و مهربان، دستان ناتوانم را گرفتند، قدردانی می کنم. با درود به روان پاک و مقدس امام خمینی رحمه الله علیه و همه شهدا و صدیقین و با درود به روح پدر بزرگوارم سرهنگ ابوالفضل صلاحی مقدم و استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر سیدحسین بحرالعلومی که مرا فراموش نکرده اند و دعای خیر آنها را همیشه حامی خود دیده ام.

چکیده

برای درک فرهنگ مشترك بشری مقایسه بین مولانا جلال الدین محمدمولوی شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم ایران و ویلیام بلیک، شاعر، نقاش عارف بزرگ قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم انگلستان کاری بدیع است. بررسی مکتب و افکار این دو انسان معنوی از ابعاد گوناگون که افق دید وسیعی دارند مهم و بخصوص از دو جنبه حائز اهمیت است :

- ۱ - اثبات وحدت در جهان هستی و اتحاد بین انسانهای الهی
- ۲ - طرح افکار عرفانی ویلیام بلیک در کشور ما که انصافاً غریب و تنها رها شده است و بجز معدود کتابهایی که در مورد این شاعر، نقاش و عارف نوشته شده، کاری صورت نگرفته است.

مقایسه بین جلال الدین محمدمولوی و ویلیام بلیک از نظر ادبی و عرفانی و بیان وجوه اشتراك و افتراق بین این دو بزرگوار، آشنایی بیشتر با نابغه بزرگ تاریخ، یعنی مولانا جلال الدین مولوی و دفاع از بصیرت الهی و تخیل خلاق و نبوغ شاعرانه عارف و دلسوز جامعه بشری یعنی ویلیام بلیک را به همراه دارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول : عرفان و تصوف
۴۱	فصل دوم : زندگانی جلال الدین محمد بلخی و ویلیام بلیک
۴۲	شرح حال مولانا جلال الدین بلخی
۴۶	سال شمار زندگی جلال الدین محمد مولوی
۴۷	شرح حال ویلیام بلیک
۶۲	سال شمار زندگی ویلیام بلیک
۶۴	فصل سوم : تخیل
۷۰	تخیل از دیدگاه مولوی
۹۶	تخیل از دیدگاه ویلیام بلیک
۱۲۰	فصل چهارم: صور خیال
۱۲۱	صور خیال در مثنوی
۱۲۴	چند نمونه از تمثیلات جلال الدین مولوی
۱۲۶	چند نمونه از تشبیهات در مثنوی
۱۲۹	نمونه هایی از استعاره در مثنوی
۱۳۱	کنایه
۱۳۳	سمبل و رمز (Symbol)
۱۳۹	تشخیص (Personification)
۱۴۱	تلمیح (Allusion)
۱۴۴	صور خیال در اشعار بلیک
۱۵۰	تشبیه (Simile)
۱۵۸	تمثیل
۱۶۴	وارونه گویی و طعنه (Irony)
۱۷۵	تلمیح (Allusion)
۱۸۵	استعاره (Metaphor) و تشخیص (Personification)
۱۸۹	سمبل (Symbol)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۶۶	فصل پنجم: تضاد
۲۶۷	تضاد چیست
۲۶۷	تضاد از دیدگاه مولوی
۲۸۹	تضاد از دیدگاه بلیک
۲۹۳	فصل ششم: نتیجه گیری و مقایسه زمینه های معنایی دو شاعر
۲۹۴	نتیجه گیری
۲۹۵	مقایسه مکتب بلیک و سبک مولوی
۳۰۵	مقایسه تخیل و ایماژها از دیدگاه مولوی و بلیک
۳۱۴	نتیجه گیری بحث تضاد
۳۳۳	وحدت
۳۶۶	شهود، بصیرت و رؤیت (Vision)
۳۷۱	جهان درونی انسان
۳۷۹	عقل
۳۹۰	علم
۳۹۴	حواس
	رهایی از خودطبیعی و طبیعت
۳۹۷	(Natural Memories) خاطرات طبیعی
۴۰۳	عشق
۴۱۲	انسان دوستی و ظلم ستیزی مولوی و بلیک
۴۲۰	انفعال ضد فعالیت و خلاقیت
۴۲۱	انتقاد از زاهدان ریایی و متعصب
۴۲۱	انسان = اندیشه
۴۲۲	ذات اقدس الهی
۴۲۳	تلاش
۴۲۳	تقلید
۴۲۴	مرگ یعنی، نقل مکان
۴۲۵	الهام
۴۲۵	بلیک و مولوی دو روانشناس و عالم تعلیم و تربیت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۲۷	مبارزه با نفس
۴۳۰	لزوم کتمان اسرار از نامحرم
۴۳۳	انسانهای غافل و خودخواه و حقیر و متورم
۴۳۶	خاموشی و سخن
۴۳۸	تعصب و سختگیری با قوانین ظالمانه
۴۴۱	دوری از اشتهار
۴۴۲	زن
۴۴۸	صداقت و اخلاص
۴۴۹	ریاضت و آزمایشهای الهی
۴۵۱	کودک و کودکی
۴۵۱	مقام عالی معنویت و رها کردن صورت
۴۵۳	تجلی
۴۵۵	غم و شادی
۴۵۷	موسیقی
۴۶۱	مشخصات مراجع
۴۶۵	چکیده انگلیسی

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
مکرر ۴۱	۱ - جلال الدین محمد مولوی
مکرر ۴۶	۲ - ویلیام بلیک
مکرر ۴۹	۳ - لندن
مکرر ۱۰۵	۴ - جهل سالخورده
مکرر ۱۰۹	۵ - The Little Vagabond
مکرر ۱۱۴	۶ - The School Boy
مکرر ۱۴۹	۷ - کرمی که سمبل شخصیت انگلی و بیکاره است
مکرر ۱۶۷	۸ - بلیک روی ساحل یک رودخانه
مکرر ۱۷۳	۹ - A poison Tree
مکرر ۱۷۷	۱۰ - Holy Thursday
مکرر ۱۸۶	۱۱ - The Angel
مکرر ۱۸۹	۱۲ - مسافر
مکرر ۱۹۱	۱۳ - The Garden of Love
مکرر ۱۹۴	۱۴ - The Little Blake Boy
مکرر ۱۹۶	۱۵ - Eagle and Serpent
مکرر ۱۹۶	۱۶ - Eagleman
مکرر ۱۹۹	۱۷ - Nurses Song
مکرر ۲۰۵	۱۸ - The Clod and the Pebble
مکرر ۲۰۹	۱۹ - Los
مکرر ۲۱۶	۲۰ - The Tyger
مکرر ۲۲۸	۲۱ - What is Man
مکرر ۲۳۰	۲۲ - The Sick Rose
مکرر ۲۳۱	۲۳ - Vala
مکرر ۲۳۷	۲۴ - The Four Zoas
مکرر ۲۴۷	۲۵ - Urizen
مکرر ۲۵۱	۲۶ - Enyharmon
مکرر ۲۵۸	۲۷ - Jesus and Albion
مکرر ۲۵۸	۲۸ - Albion
مکرر ۲۶۱	۲۹ - Mundane egg
مکرر ۲۶۳	۳۰ - Orc
مکرر ۲۶۵	۳۱ - Rintrah

فهرست تصاویر

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
مکرر ۲۹۹	الهام ۳۲
مکرر ۳۰۴	Infant Joy ۳۳
مکرر ۳۱۰	Infant Sorrow ۳۴
مکرر ۳۸۹	The Book of Urizen (استدلال) ۳۵
مکرر ۳۹۱	چهار عنصر (آب، باد، آتش و خاک) ۳۶
مکرر ۳۹۱	دریای زمان ۳۷
مکرر ۳۹۲	نیوتون ۳۸
مکرر ۴۱۰	دریای ماتریالیسم ۳۹
مکرر ۴۱۵	The Chimney Sweeper ۴۰
مکرر ۴۲۰	The Human Abstract ۴۱
مکرر ۴۲۵	Door of Death ۴۲
مکرر ۴۲۵	Jacob's Dream (الهام) ۴۳
مکرر ۴۲۷	The River of Life ۴۴
مکرر ۴۴۷	Nurses Song (زن) ۴۵

مقدمه

مقدمه - صفحه ۱

مرد بانامحرمان، چون بندی است
این بسا دو ترک چون بیگانگان
همدلی از همزبانی بهتر است (مولوی)

همزبانی خویشی و پیوندی است
ای بسا هندو و ترک همزبان
پس زبان محرمی خود دیگرست

ادبیات تطبیقی (Comparative Literature) شاخه‌ای از نقد ادبی است که از انعکاس و تأثیر ادبیات ملتی در ادبیات ملت دیگر سخن می‌گوید، مثلاً در تأثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب و سایر کشورها و یا برعکس، بحث می‌کند. به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی است در ملت یا ملتهای دیگر، مانند تأثیر فردوسی بر ماتئو آرنولد^۱ و تأثیر حافظ بر گوته^۲ و تأثیر خیام بر فیتز جرالده^۳ و گریوز^۴. (بنابراین در موضوع "مطالعات میان رشته‌ای" نیز می‌گنجد)

اما گاهی بین آثار ادبی ملتهای گوناگون شباهتها و مشترکاتی یافت می‌شود که این شباهتها حاصل شباهتها و مشترکات روحی انسانها با هم است، نه ثمره اخذ و اقتباس ادبی ملتها از یکدیگر. تجربه‌های دینی و تجربه‌های روحی و عرفانی از این قسم مشترکات است.

در این رساله کوشش شده است تا آنجا که ممکن است به فرهنگ مشترك جوامع انسانی توجه شود. طلایه داران فرهنگ مشترك بشری در هر کجای دنیا که باشند، بسی فراتر از انسانهای عادی را دیده‌اند و مرزها و خصوصیات نژادی و اخلاقی و سیاسی را درهم پیچیده‌اند و جامعه‌ای ایده‌آل و جهانی را در نظر گرفته‌اند.

مسلم این است که مولوی آثار بلیک را مطالعه نکرده است چراکه چند قرن قبل از او می‌زیسته و بلیک هم با آثار و افکار مولوی آشنایی نداشته و تحت تأثیر آن قرار نگرفته است، زیرا در هیچیک از اشعار و یا نامه‌های او چنین چیزی نوشته نشده است و محققینی هم که درباره او پژوهش نموده‌اند، چنین مطلبی را ذکر نکرده‌اند.

۱ - Mathew Arnold

۲ - Goethe

۳ - Fitz Gerald

۴ - Graves

لا بطور کلی گذشتگان با پی ریزی اصول فرهنگ بشری به آیندگان کمک کرده اند.

مولوی در این باره می گوید :

هین بگو که ناطقه جو می کند
گرچه هر قرنی سخن آری بود
نی که هم تورات و انجیل و زبور
تا به قرنی بعد ما آبی رسد^۱
لیک گفته سالفان یاری بود
شد گواه صدق قرآن ای شکور؟

حتی اگر آنچه را که مصلح در زمان خود بیان کرده است، دقیقاً درک نشود، جای یأس نیست. شخص اندیشمند و پیشتاز با خلوص، هرگز از اینکه جامعه او نمی تواند افکار او را هضم کند ناامید نمی شود. برای مردان بزرگ که برای اشراف به حقایق، گام به بالاتر از زمان خود گذاشته اند، امروز و دیروز یکی شده است.

فرهنگ عالی بشری تدریجاً در گذرگاه قرون و اعصار بروز خواهد کرد. در هر نقطه ای از جهان هر تلاشی که اندیشمندی می کند، کمکی است برای آیندگان.

در این میان شعر جایگاه خاصی دارد. در تعریف شعر می گویند : گره خوردگی عاطفه و اندیشه و خیال که با زبانی آهنگین بیان شود.

منظور از عاطفه، زمینهء درونی و حسی شاعر است که به اعتبار چگونگی برخورد شاعر با جهان پیرامونش تجلی می یابد. عواطف به دو بخش شخصی و اجتماعی تقسیم می شود. در اشعار مولوی و بلیک عواطف اجتماعی، فراوان به چشم می خورد و البته در بلیک بیشتر چراکه وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه ای که بلیک در آن می زیسته است متفاوت با جامعه مولوی بوده است.

(البته عواطف از بعد دیگر قابل بررسی است :

عواطفی که در ماورای ماده و جامعه سیر می کند که عرفان در این محدوده می گنجد).

اندیشه، پیام و درون مایه شعر است. در شعر مولوی و بلیک، این اندیشه عالی انسانی است که سر بر می زند و بیرون می ریزد، اندیشه های تازه و بکر، اندیشه هایی خداگرایانه و بشری. این دو شاعر بزرگ توانسته اند این اندیشه های ناب را آمیخته با صور خیال عرضه کنند. اندیشه این دو هنرمند، والا و منسجم و عمیق است. باتوجه به اینکه شعر مولوی تعلیمی و تمثیلی و شعر بلیک تعلیمی و نمادین (Symbolic and Didective) است هر دو^۲ از مضامین مختلف برای بیان اندیشه های عالی خود

محمد علی مولوی، سنوی، تصنیف شعرون، تخریص، ب. ۲۵۷۷، ۲۵۷۹

۱- (محمد تقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، (دوره ۱۵ جلدی)، چاپ دهم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج

۸ ص ۹۵

استفاده کرده اند. منتهی مولوی باتوجه به تأثیر عظیمی که مکتب حیاتبخش اسلام بر او گذاشته بوده است شعرش از عمق و تعالی خاصی برخوردار است.

خیال، سومین عنصر شکل دهنده شعر است. خیال از ابعاد مختلف قابل بررسی است که یکی از آنها، خیال از نظر ادبی است (یعنی استفاده از ایماژها و تصویرها)

مولوی و بلیک از صور خیال اعم از تشبیه و استعاره و نماد و تمثیل و شخصیت بخشی و آشنایی زدایی و غیره استفاده کرده اند. هر دو به شعر الهامی معتقدند، شعری که از درون منشأ می گیرد، شعر را مولود شوریدگی می دانند و مخلوق جنون. هرچه شوریده حالی و بیخودی شاعر بیشتر، بهتر :

تومپندار که من شعر به خود می گویم تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم (مولوی)

هر دو، شاعری را اتصال به ملکوت و خلاقیت می دانند، شاعر هنرش در آن است که روحش در مقام و مرتبه قدسی روح انسان باشد که خداوند خود فرموده است: "ونفخت فیه من روحی".

شاعر از محارم راز است، گوش در ملکوت دارد و دهان در عالم ملک و آنچه را که از عالم ملکوت می شنود باز می گوید. بنابراین هر شاعر معنوی را می توان لسان الغیب نامید. شعر اگر شعر باشد "ذویطون" است، زبان شعر زبان رمز است چراکه راز جز در رمز نمی نشیند.

مولوی و بلیک عدم را در آینه شعر خود نشان داده اند، عدمی که آینه هستی مطلق است. مولوی مثنوی را "دکان وحدت" می نامد.

مثنوی ما دکان وحدت است رحمت اندر رحمت اندر رحمت است

با وجود اعتقاد مولوی و بلیک به الهامی بودن شعر، هر دو بر جنبه تعلیمی بودن و مفید بودن آن تکیه می کنند بنابراین منطبق است با نظریه پراگماتیسم (Pragmatism) در ادبیات.

این رساله به ۶ فصل تقسیم شده است. فصل اول رساله به عرفان و تصوف بخصوص اسلام و مسیحیت اختصاص یافته است در فصل دوم شرح مختصری از احوالات و زندگی مولوی و شرح مفصل تری راجع به بلیک به خوانندگان ارائه شده است. فصل سوم و چهارم درباره تخیل و صور خیال و تضاد از دیدگاه این دو شاعر متفکر است و در فصل ششم یا فصل پایانی، نتیجه گیری شده است. در نتیجه گیری، علاوه بر بیان نتیجه بحث تخیل و صور خیال و تضاد، به علت حجم زیاد مطالب صرفاً نتیجه گیری از ۳۲ موضوع مورد توجه مولوی و بلیک مطرح گردیده است. روش کار چنین بوده است که اشعار مورد نظر ویلیام بلیک از دیوان او انتخاب شد سپس ترجمه گردید. بعد از ترجمه، برگه نویسی موضوعی بعمل آمد. در عین حال به کتبی که توسط محققین غربی و ایرانی (به زبان انگلیسی) نوشته شده بود مراجعه گردید